



به مناسبت سالگرد ابلاغ پیام امام(ره) به گورباچف؛ سفرنامه نور توحید در ظلمت الحاد

آیت الله جوادی آملی در شرح سفر به مسکو و ابلاغ نامه امام(ره) می نویسد: امام(ره) شیوه حضرت سلیمان(ع) را به عنوان یکی از روش های تبلیغی خود برگزیدند و ثابت کردند که میراث دار انبیای سلف هستند.

آیت الله جوادی آملی در شرح سفر به مسکو و ابلاغ نامه امام(ره) می نویسد: امام(ره) شیوه حضرت سلیمان(ع) را به عنوان یکی از روش های تبلیغی خود برگزیدند و ثابت کردند که میراث دار انبیای سلف هستند.

به گزارش خبرگزاری مهر، در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۶۷ نامه معروف و تاریخی امام خمینی (ره) خطاب به گورباچف آخرین رئیس جمهور شوروی در زمینه مرگ کمونیسم و ضرورت پرهیز از انکاء به غرب انتشار یافت.

این نامه توسط هیئتی عالی رتبه که در رأس آن، یک عالم دینی آگاه به مسائل سیاسی و مذهبی یعنی آیت الله جوادی آملی قرار داشت، به گورباچف ابلاغ و برای وی تبیین و تشریح گردید. این نامه در شرایطی نگاشته شده بود که تحلیلگران سیاسی نظاره گر تجدید نظر طلبی و آغاز تحولات کمونیسم بوده ولی قادر به اظهار نظر در این باره نبودند. رهبر کبیر انقلاب اسلامی نه تنها اظهار نظر صریح درباره تحولات جهان کمونیست کرد بلکه فرمود: از این پس کمونیسم را باید در موزه های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد.

آنچه در ادامه می آید شرح این سفرنامه توحیدی به لسان آیت الله جوادی آملی است: ابتدا به حدیثی از پیامبر گرامی اسلام(ص) اشاره می کنم که فرمود: «العلماء ورثة الأنبياء» [۱]؛ عالمان هر عصری، نه تنها وارثان پیامبر آن عصرند، بلکه چون هر پیامبری، پیامبر گذشته را تصدیق و رسالت او را تکمیل می کند، وارث انبیای گذشته نیز هستند. این مطلب درباره علمای عصر حاضر که وارث رسول گرامی اسلام «صلي الله عليه وآله» هستند که ایشان نیز آخرین میراث دار انبیای سلف و از کامل ترین رسالت برخوردار است، به شکل کامل تر نمایان است و آن ها ممکن است نقش همه انبیای سلف مانند ابراهیم خلیل، موسای کلیم، عیسی مسیح و... را در جامعه ایفا کنند.

قرآن کریم با اشاره به پیام حضرت سلیمان(ع) : إله من سليمان وإله بسم الله الرحمن الرحيم ألا تعلوا عليّ و اتوني مسلمين[۲]، به مسأله دعوت به اسلام با فرستادن پیک و پیام تأکید می کند. امام خمینی(ره) بارها به این تأکید قرآن کریم عمل کردند و شیوه حضرت سلیمان(ع) را یکی از روش های تبلیغی خود برگزیدند و به این ترتیب ثابت کردند که میراث دار انبیای سلف(ع) هستند.

وی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در نامه های خود مردم را به حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن و تشکیل حکومت اسلامی فرا می خواندند و این نامه ها نقش بسیار مهمی در پیروزی انقلاب داشت. پس از پیروزی نیز این کار را ادامه دادند و همگان را به همان امور دعوت می کردند و در این امر به مرزهای کشور بسنده نکرده، پیام های خود را به بیرون مرزها صادر می کردند؛ چون اسلام دینی نیست که بتوان آن را محدود و منحصر کرد و همان گونه که پیامبر اکرم(ص) للعالمین نذیر[۳] است، علما نیز باید تبلیغ خود را به سراسر عالم معطوف کنند.

پیام حضرت امام در جهت همین امر صورت گرفت. ایشان به بن بست رسیدن کمونیسم را درک و با اعلام این مطلب، زمینه تأثیر را فراهم و سپس پیام خود را ابلاغ کرد. احتمال اثرگذاری بسیار مهم است؛ چون ارسال پیام زمانی سودمند است که احتمال اثر باشد. از این رو، ایشان در بازگشت از سفر مسکو درباره احتمال تأثیر پیام نیز سؤال فرمودند.

نکات لازم الاجرا در ابلاغ پیام

برای ابلاغ پیام امام(ره) تأکید شده بود که هیأت اعزامی چند مطلب را رعایت کند:

۱. پوشیده داشتن محتوای پیام تا زمان ابلاغ آن؛ از این رو با وجود همه توانی که دستگاه های اطلاعاتی آن ها داشتند، نتوانستند از مضمون نامه اطلاع پیدا کنند. آن ها مسائل مختلفی چون قطع نامه، جنگ، صلح و... را احتمال می دادند؛ حال آن که مضمون اصلی پیام، دعوت به اسلام بود.

۲. رعایت ادب و احترام؛ این از دستورهایی اسلام، به ویژه در امر تبلیغ به شمار می آید و در این زمینه رفتار معصومان(ع) بسیار

آموزنده است. حضرت امام صادق(علیه السلام) در برابر یهودیان که سرسخت ترین دشمنان اسلام بودند، ادب را در همه امور، اعم از گفتار، رفتار و نوشتار رعایت می کردند و می فرمودند: «إن جالسک یهودی فأحسنْ مجالسته» [۴]؛ یعنی اگر فردی یهودی هم صحبت و همنشین تو شد، به او نیکی و احترام وی را حفظ کن.

۳. اثر نپذیرفتن از عظمت کاخ کرملین و رهبر اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی؛ چون ما حامل پیام بسیار ارزشمندی بودیم که از سوی مردی بلند مرتبه فرستاده می شد و باید با صلابت رفتار می کردیم که مبدا کم ترین احساس حقارتی در اعضای هیأت پیدا شود. به دیگر سخن، قول ثقیل را نمی شد با ودوا لو تدهن فیدهنون[۵] ابلاغ و این پیام و گفتار سخت و جدی را با روحیه ای ساده و کوچک همراهی کرد.

۴. خواندن پیام برای شخص گورباچف تا نگوید که بعداً یا در فرصتی دیگر پیام را مطالعه می کنم. لازم بود پیام را جمله به جمله برای او قرائت و ترجمه کنیم که اگر احتیاج به توضیح یا استدلالی داشت، در همان جا ارائه شود. در کنار متن اصلی پیام که به خط خود حضرت امام(ره) نوشته شده بود، ترجمه انگلیسی آن نیز وجود داشت؛ چون هرچند مخاطب اصلی پیام، رهبر جماهیر شوروی بود، اما پیام امام تنها به او اختصاص نداشت و در حوزه ای وسیع تر ابلاغ می شد.

ورود به مسکو و ابلاغ پیام

ساعت یازده روز چهارشنبه چهاردهم دیماه ۱۳۶۷(هـ. ش) هیأت سه نفره ایران به همراه سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو با رهبر شوروی دیدار کرد و در این ملاقات، افزون بر گورباچف، وزیر امور خارجه شوروی، مترجم و یک خبرنگار که برای حزب گزارش تهیه می کرد، حضور داشتند.

آن ها از هیأت ایرانی در کمال ادب و احترام استقبال کردند و پس از تعارفات معمول که نزدیک پنج دقیقه طول کشید، آقای گورباچف در ابتدا اظهار داشت: ما با داشتن تفکرات گوناگون می توانیم زندگی مسالمت آمیزی در کنار هم داشته باشیم و چون شما برای ابلاغ پیام مهمی آمده اید، وقتتان را نمی گیرم و فرصت را در اختیار شما می گذارم.

هیأت ایرانی نیز صحبت را با این جمله آغاز کرد: میلاد یکی از بزرگ ترین پیامبران الهی را تبریک می گوئیم و به همین مناسبت، پیام یکی از رهبران الهی را برای شما قرائت می کنیم.

از آن جا که مضمون پیام اهمیت زیادی داشت، با تأتی و جمله به جمله برای آن ها خوانده می شد تا مطلب به خوبی منتقل شود؛ حتی در مواردی نیز به درخواست مترجم، جمله تکرار می شد تا او مطلب را به درستی بفهمد و به آقای گورباچف منتقل کند. کار قرائت پیام و ترجمه آن، یک ساعت به طول انجامید و در این مدت، گورباچف در کمال ادب گوش می داد و تنها در دو جای پیام، رنگ چهره اش تغییر کرد و صورتش سرخ شد؛ یک مورد آن در قسمتی از پیام بود که امام می فرماید: دیگر کمونیست را باید در موزه های تاریخی جهان بنگریم و... و. ایشان در خلال قرائت پیام نیز بعضی از مطالب را یادداشت می کرد و برخی از مطالب را نیز معاونان و دستیارانش یادداشت می کردند.

همان گونه که گفته شد، پیام حضرت امام(ره) دعوت به اسلام بود و در آن از مسائل سیاسی چون قطع نامه یا آتش بس یا... سخنی به میان نیامده بود و فقط در جمله ای با اشاره به موضوع افغانستان فرمودند: اگر شما اسلام را بشناسید، دیگر در مورد افغانستان این گونه نمی اندیشید و تجدید نظر می کنید. این مطلب نیز به نوعی به همان عینیت سیاست و دیانت اشاره داشت که امام(ره) به خوبی به آن وفادار بودند.

در پایان پیام نیز امام راحل، ضمن تأکید بر قدرتمندی جمهوری اسلامی ایران به عنوان پایگاه جهانی اسلام فرمودند: ما همچنان بر زندگی مسالمت آمیز و روابط متقابل معتقدیم و آن را محترم می شماریم.

واکنش گورباچف

پس از اتمام قرائت و ترجمه نامه امام(قدس سره)، آقای گورباچف ابتدا از این پیام تجلیل کرد و آمادگی خود را برای ارسال جواب ابراز نمود و اظهار داشت: ما برخی از اشتباهات گذشته را ترمیم می کنیم که بار دیگر مبتلا نشویم و نیز در مورد آزادی ادیان، قانونی را در دست تصویب داریم و نیز افزود: همان گونه که در طلیعه سخن گفتیم ما می توانیم با داشتن مکتب ها و افکار گوناگون در کنار هم زندگی مسالمت آمیزی داشته باشیم. سپس ضمن بیان این نکته که ما هم دارای مکتب، ایده و فکری هستیم، با شوخی و خنده گفت: معلوم می شود حضرت امام از ایدئولوژی ما خوشش نمی آید. آیا می شود ما نیز ایشان را به مکتبمان دعوت کنیم؟ اما بعداً دوبار بر جدی نبودن سخن آخر خود تأکید کرد.

پس از اتمام سخنان گورباچف، هیأت ایرانی از سخن او و از این که یک ساعت و اندی به پیام و ترجمه آن گوش داده بود، تشکر کرد.

اما در مورد مهم ترین حرف آقای گورباچف یعنی عدم دخالت در امور داخلی یک کشور، این گونه پاسخ داده شد: شما به عنوان رهبر شوروی آزادید از اعماق خاک این کشور تا اوج آسمان های این مرز و بوم، هرکاری انجام دهید؛ چون کشور متعلق به شماست؛ اما این رهبر الهی (امام خمینی(قدس سره)) با آب و خاک و آسمان کشور شما کاری ندارد، بلکه روی سخن او با جان شماست. آقای گورباچف! شما بعد از مرگ مانند درختی هستید که پس از شصت یا هفتاد سال می خشکد و از بین می رود یا مثل پرنده ای که بعد از مدت ها در قفس را برای او باز می کنند و او برای همیشه آزاد می شود؟ سخن این رهبر الهی این است که مرگ پایان کار نیست، بلکه شما هستید و ابدیت اندیشه، افعال و اوصافتان که باید به فکر آن ها باشید. شما گمان می کنید که مرگ مساوی با نابودی است؛ اما رهبران الهی می گویند که مرگ حیات جدید است.

این سخنان به عنوان آخرین کلام هیأت ایرانی مطرح شد و جلسه دو ساعته ما به پایان رسید و در هنگام تودیع برای خدا حافظی گفتیم: خدا حافظ، خدا توفیق بدهد. آقای گورباچف گفت: «مردم ما می گویند: کار» و ما پاسخ دادیم که مردم ما گفتند: خدایا به امید تو قیام می کنیم و قیام نیز کردند و قدرت ها را سرجایشان نشانند!

یکی از اعضای هیأت ایرانی، خانم محترمی بود که سابقه مبارزات سیاسی داشت و نیز نماینده مجلس شورای اسلامی بود. وقتی ایشان از طرف سفیر ایران به گورباچف معرفی می شد، او بسیار تعجب کرد که یک زن در نظام اسلامی ایران بتواند در این سطح، مسؤولیت و فعالیت اجتماعی داشته باشد.

به این ترتیب، سفر یک روزه ما به مسکو با موفقیت به پایان رسید و استقبال از هیأت ایرانی و بدرقه آن ها چه در دیدار با گورباچف و چه در فرودگاه، دوستانه و در کمال ادب و احترام بود. هنگام ورود ما به فرودگاه مسکو نماینده شخص گورباچف، معاون وزیر امور خارجه و نیز امام جمعه مسکو که متأسفانه منتسب به حزب بود، برای استقبال آمده بود و در حالی که برف سنگینی هم باریده بود، ما را تا شهر که ۴۰ کیلومتر فاصله داشت، همراهی کردند.

[۱] - بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۶۴.

[۲] - سوره نمل، آیه ۳۱.

[۳] - سوره فرقان، آیه ۱.

[۴] - بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۸۸.

[۵] - سوره قلم، آیه ۹.